روابط اجتماعی شهری؛ پژوهشی در چگونگی و عوامل مرتبط با آن در شهر سردشت

حمیدرضا جلائی‌پور*، جمال عبداله‌پور**

طرح مسئله: *این مقاله، روابط اجتماعی ساکنان سردشت یکی از شهرهای مناطق کردنشین در جنوب غربی آذربایجان غربی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی روابط شهری در کانون نظریه‌های اندیشمندان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری بوده و هست. با توجه به این‌که شهر سردشت با روند رو به رشد شهرنشینی روبه‌رو بوده، بررسی این موضوع در بین ساکنان این شهر ضروری است.*

روش: *سه سطح روابط خویشاوندی، همسایگی و دوستی به منظور توصیف و تبیین روابط اجتماعی با الهام از دیدگاه‌های جبرگرایی و ترکیب‌گرایی به کار گرفته شده‌اند. مطالعهٔ ما در راستای بررسی این موضوع به روش پیمایشی انجام شده است.*

یافته‌ها: *داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین روابط اجتماعی در هر سه سطح بالا بوده و منطبق بر ویژگی‌های مدنظر دیدگاه ترکیب‌گرایی است. اگرچه بین ویژگی‌های شهرنشینان و میزان روابط اجتماعی آن‌ها در هر سه سطح تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود اما این تفاوت‌ها به جز در رابطهٔ بین سن و تحصیلات با رابطهٔ همسایگی و همچنین تحصیلات و رابطهٔ خویشاوندی، در مورد بقیهٔ متغیرها رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد.*

نتایج: *در مجموع می‌توان گفت که فقط دو متغیر سن و تحصیلات تغییرات روابط اجتماعی را در سطوح خویشاوندی، همسایگی و دوستی در بین ساکنان شهر سردشت تبیین می‌کنند.*

کلید واژه‌ها: دیدگاه جبرگرایی، دیدگاه ترکیب‌گرایی، روابط اجتماعی شهری، شهرنشینی

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۵/۱۲ ***تاریخ پذیرش:*** ۹۰/۰۳/۱۷

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران <h_jalaeipour@hotmail.com>

** کارشناس ارشد پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

شهر مکانی است که برخلاف مکآن‌های روستایی از ویژگی‌هایی نظیر جمعیت زیاد، تراکم، عدم تجانس ساکنان، تخصصی شدن مشاغل و نشانه‌های دیگر شهری از قبیل سر و صداها و زرق و برق شهری برخوردار است. خصوصیات شهر باعث شده که روابط اجتماعی شهری، در کانون پژوهش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری قرار گیرد. به طور کلی می‌توان روابط اجتماعی شهری را از منظر سه دیدگاه جبرگرایی، ترکیبی و خرده‌فرهنگی تحلیل کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹ و شارع‌پور، ۱۳۸۷). صاحب‌نظران دیدگاه جبرگرایی یا اکولوژیکی بر این باورند که با توجه به ویژگی‌های محیط شهری، سکونت در شهر به تضعیف پیوندهای عاطفی گروه‌های اجتماعی و انزوای افراد می‌انجامد که پیامد این وضعیت، انسآن‌های شهرنشین را به لحاظ روانی آسیب‌پذیر و از لحاظ اخلاقی نامتعادل می‌سازد. در مقابل این دیدگاه که نگرش منفی به شهر دارد، صاحب‌نظران دیدگاه ترکیب‌گرایی معتقدند که گروه‌های اجتماعی صمیمی در محیط شهری به حیات خود ادامه می‌دهند و شهرنشینان با یکدیگر تماس‌های اولیه و پایداری برقرار می‌کنند. از منظر این دیدگاه، محیط‌های شهری دارای روابط اجتماعی اختصاصی نیستند و تفاوت در روابط اجتماعی ساکنان بین محیط‌های شهری و غیرشهری از نظر آن‌ها، تحت تأثیر ویژگی‌های محیط نبوده بلکه این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های شخصی افراد از قبیل سن، شغل، درآمد و قومیت است. دیدگاه سوم دیدگاه خرده‌فرهنگی است. این دیدگاه همچون دیدگاه ترکیب‌گرایی استمرار ارتباط متقابل صمیمانه و روابط اولیه بین ساکنان شهری را تأیید می‌کند. از منظر این دیدگاه، محیط شهری با توجه به ویژگی‌هایی نظیر جمعیت زیاد، تراکم و نامتجانس بودن، باعث می‌شود که افراد دارای ویژگی‌های یکسان، همدیگر را پیدا کرده که در نتیجه آن روابط اجتماعی افراد در قالب خرده‌فرهنگ‌ها تقویت می‌شود که چنین امکانی در محیط‌های کوچک و روستایی وجود ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بدین ترتیب می‌توان به اهمیت روابط اجتماعی در شهر و انجام پژوهش در رابطهٔ با آن پی‌برد. زندگی در محیط شهری مانند دیگر محیط‌ها نیازمند برقراری روابط صمیمانه در بین شهرنشینان در سطوح مختلف از قبیل خویشاوندی، همسایگی، محیط کار و دوستی است. کاهش روابط اجتماعی صمیمانه و اولیه، به ویژه در محیط شهری به انزوای افراد و مشکلات روانی می‌انجامد که این وضعیت هم منشأ مسائل اجتماعی خواهد بود. اهمیت این موضوع و انجام تحقیقات تجربی بر روی آن به ویژه در شهرهای ایران از وجهی دیگر حائز اهمیت است. مردم ایران اغلب مسلمان هستند و دین اسلام تأکید زیادی بر روابط اجتماعی به ویژه بین خویشاوندان و همسایگان دارد. هدف تحقیق حاضر بررسی روابط اجتماعی ساکنان شهر سردشت است که از میان سطوح گوناگون آن، سه سطح روابط خویشاوندی، همسایگی و روابط دوستی بررسی شده است.

انتخاب شهر سردشت برای بررسی این موضوع به این دلیل است که سردشت یکی از موارد شهرهای کردنشین در مرزهای غربی ایران است که با روند رو به رشد شهرنشینی[1] روبه روست. جمعیت شهر سردشت از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ روندی افزایشی داشته است. جمعیت این شهر در سال‌های ۱۳۳۵، (۲۶۴۵ نفر)؛ ۱۳۴۵، (۵۷۵۹ نفر)؛ ۱۳۵۵، (۱۰۲۰۷ نفر)؛ ۱۳۶۵، (۱۷۸۷۷ نفر)؛ ۱۳۷۵، (۳۰۹۰۴ نفر) و ۱۳۸۵، (۳۷۶۹۹ نفر) بوده است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت این شهر در سال ۱۴۰۰ به ۴۶۵۰۰ نفر افزایش یابد (فهر، ۱۳۸۶). به بیان دیگر جمعیت ساکن در شهر سردشت در طول ۵۰ سال گذشته در مقایسه با کل شهرستان سردشت از ۹/۱۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۵/۶۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. افزایش جمعیت در سردشت به گسترش فیزیکی شهر منجر گشته است. مساحت شهر در سال‌های ۱۳۴۴، (حدود چهارصد هزار متر مربع)؛ ۱۳۶۹، (حدود یک میلیون و پانصد هزار متر مربع) و در سال ۱۳۸۱ به بیش از سه میلیون و پانصد هزار متر مربع، افزایش یافته است (خضری، ۱۳۸۵). از دههٔ هفتاد به بعد، نقاط جدیدی در شهر

1- urbanization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به وجود آمده است. به وجود آمدن شهرک فرهنگیان و شهرک جانبازان از جملهٔ این موارد است. همچنین روستای شیوه ابراهیم در شهر ادغام شده است و در سال‌های آینده با توجه به گسترش شهر به سمت روستای مارغان در جنوب شرقی شهر، شاهد ادغام این روستا نیز در شهر سردشت خواهیم بود. اسکان جمعیت شهر در آینده و مکان‌یابی بهینه برای توسعهٔ شهر سردشت به یک موضوع مهم پایان‌نامه‌های برنامه‌ریزی شهری تبدیل گشته است (خضری، ۱۳۸۵ و فهر، ۱۳۸۶). وجود دو دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی، افزایش پاساژهای تجاری، انجمن‌های غیردولتی، افزایش ساختمآن‌های چند طبقه، افزایش جمعیت شهر و تراکم مسکن، حجم بالای تردد افراد در داخل شهر و وجود افراد گوناگون با پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت و از آن طرف افزایش سروصداها و سایر محرکه‌های شهری نظیر تردد زیاد وسایل نقلیه در سطح شهر و زرق و برق شهری و مواردی نظیر آن از دیگر ویژگی‌های شهری و شهرنشینی در سردشت است. همان طور که اشاره شد بررسی شهر سردشت نشان داد که این شهر با روند رو به رشد شهرنشینی مواجه بوده و این خود به مسائل گوناگون اجتماعی و کالبدی انجامیده است. موضوع افزایش رو به رشد شهرنشینی زمانی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود که رشد جمعیت شهر بیش‌تر ناشی از مهاجرت روستاییان بوده که از مکان اصلی زندگی خود به ویژه پس از جنگ تحمیلی جدا شده و در شهر سکنی گزیده‌اند که عامل اصلی گسترش فیزیکی شهر و افزایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی و در نهایت مسائل جانبی آن نظیر بیکاری و رشد مشاغل کاذب بوده است (فهر، ۱۳۸۶). نظر به اهمیت روابط اجتماعی به ویژه به عنوان بخشی از سرمایهٔ اجتماعی و تأثیر آن در افزایش کیفیت زندگی؛ از این رو آن چه بیش‌تر از همه و بیش از بقیه پیامدهای منفی شهرنشینی، محقق مسائل اجتماعی را به کاوش در این حوزه برمی‌انگیزاند تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی است، به خصوص این که جمعیت با زمینهٔ روستایی از این نظر از سطح بالای روابط اجتماعی برخوردارند که در شهر با توجه به افزایش و تراکم جمعیت و نامتجانسی آن ممکن است چنین امکانی برای آن‌ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

وجود نداشته باشد و یا با محدودیت روبه‌رو باشند. محققان و نظریه‌پردازان دیدگاه جبرگرایی تأکید زیادی بر این موضوع دارند که در روستا، سطح روابط اجتماعی بالا بوده لیکن در شهر وضعیت برعکس بوده و نگرشی منفی در این زمینه وجود دارد اگرچه دیدگاه‌هایی نظیر ترکیب‌گرایی بر چنین اعتقادی نیستند. از نظر جبرگرایان، افزایش جمعیت، تراکم آن و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متفاوت شهرنشینان به کاهش نظارت‌های اجتماعی و افزایش انزوا در شهر انجامیده و این خود مسائل اجتماعی دیگری را رقم می‌زند (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹؛ شارع‌پور، ۱۳۸۷).

در راستای اهمیت موضوع روابط اجتماعی در شرایط رو به رشد شهرنشینی در شهر سردشت، این تحقیق در پی پاسخ به سئوالات زیر انجام گرفته است:

۱. روابط اجتماعی ساکنان سردشت (در سه سطح خویشاوندی، همسایگی و دوستی) در چه وضعیتی قرار دارد یا به عبارتی دیگر به کدامیک از ویژگی‌های مدنظر دیدگاه‌های سه‌گانه نزدیک‌تر است؟

۲. چه عواملی میزان تغییرات روابط اجتماعی ساکنان شهر سردشت را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بدین منظور در ابتدا چارچوب نظری از میان دیدگاه‌های موجود در این حوزه انتخاب شده و سپس روش چگونگی انجام تحقیق و در انتها یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱) دیدگاه نظری

در این قسمت مباحث نظری مرتبط با موضوع تحقیق ارائه می‌شود. با بهره‌گیری از این نظریات بهتر می‌توان به شاخص‌های توصیف روابط اجتماعی در شهر و ارائهٔ فرضیات مستدل جهت تبیین این شاخص‌ها دست یافت. همچنان که ذکر شد دیدگاه‌های نظری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مرتبط با روابط اجتماعی در شهر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که در ادامه به توضیح هر یک از این سه دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۱) دیدگاه جبرگرایی (اکولوژیکی)

نام گذاری این دیدگاه به جبرگرایی به این امر مرتبط است که به باور صاحب‌نظران آن، شهرنشینی به طور طبیعی به ظهور ویژگی‌های خاصی منجر می‌شود (Palen, 2002). از منظر این دیدگاه شهر به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر جمعیت زیاد و متراکم، نامتجانسی ساکنان، اقتصاد پولی، وسائل آسان ارتباطات و رفت و آمد و محرکه‌های شهری باعث می‌شود که شهرنشینان دارای روابط اجتماعی متفاوت از ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا باشند. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که در بین شهرنشینان، شیوهٔ زندگی خاصی وجود دارد که این شیوه، ویژهٔ شهر است. این شیوهٔ خاص نه فقط در مورد روابط اجتماعی بلکه در کلیهٔ ابعاد رفتارهای شهرنشینان یافت می‌شود. لوئی ورت (۱۹۳۸)، این شیوهٔ زندگی ویژهٔ شهر را شهرگرایی[1] می‌نامد. از نظر کیوس شهرگرایی روابط اجتماعی، نهادها، نگرش‌ها و ایده‌هایی است که به ویژه در شهرها ظاهر می‌شود (Caves, 2005). از ویژگی‌های شهرگرایی می‌توان به ضعف یا نبود کنترل اجتماعی غیررسمی، عقلانیت حساب گرانه، بی‌تفاوتی، خویشتن‌داری در روابط، آزادی شخصی، روابط سودجویانه و سطحی بودن روابط اشاره کرد. تونیز، زیمل، پارک و ورت از جمله صاحب‌نظران دیدگاه جبرگرایی هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). فردیناند تونیس در کتاب کلاسیک خود با عنوان گمینشافت (اجتماع) و گزلشافت (جامعه) (۱۸۸۷)، به بررسی ویژگی‌های زندگی شهری و روستایی پرداخته است. او بر این باور است که روابط شخصی، صمیمی و عاطفی خانواده، گروه‌های خویشاوندی و همسایگی ویژگی گمینشافت یا روستاست که این ویژگی روابط گمینشافت، عاملی در جهت کنترل اجتماعی است. در مقابل تونیز معتقد

1- urbanism

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

است که روابط اجتماعی مبتنی بر کارآیی و عقلانیت و خالی شدن این روابط از روابط شخصی، عاطفی و صمیمی و سطحی شدن کنش‌های متقابل اجتماعی ویژگی روابط اجتماعی در گزلشافت یا شهر است (فکوهی، ۱۳۸۳). از این رو، به نظر تونیز، در شهر مردم به فکر منافع خود بوده و روابط بدون عواطف انسانی، سطحی و حساب گرانه در بین آنان حاکم است (Macionis and Parrillo, 2001) زیمل بر این باور است که در شهر فرد به ناچار در مقابل هجوم محرک‌های بی‌شماری قرار می‌گیرد و اگر بخواهد در مقابل هر یک واکنش نشان دهد انرژی عاطفی زیادی لازم دارد؛ بدین سان ویژگی اساساً عقلانی حیات ذهنی کلان‌شهرها برخلاف حیات ذهنی شهرهای کوچک و روستاها که مبتنی بر احساسات و روابط عاطفی است بیش از پیش فهم‌پذیر می‌گردد. انسان کلان‌شهری در مقابل گسست‌های عمیق که به واسطهٔ آن نوسانات و تغییرات محیط بیرونی، او را تهدید می‌کند نوعی ابزار حفاظتی به وجود می‌آورد و مانند یک فرد در محیط روستایی نیست که بر مبنای احساس و عاطفه با دیگران ارتباط برقرار کند و به جای واکنش عاطفی، اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد (Simmel, 1969). به باور پالن، زیمل به این موضوع توجه داشت که شهرنشین چگونه می‌تواند در شهر شخصیت خود را حفظ کند (Palen, 2002). به نظر زیمل انسان‌های شهری افرادی تودار و خویشتن‌دار هستند. نتیجهٔ این امر برای مثال، بی‌خبری از همسایگانی است که سال‌ها در مجاورت آن‌ها زندگی می‌کنیم. این امر در مقایسه با مردم شهرهای کوچک، مردمان کلان‌شهر را به عنوان انسان‌های سرد و خشک و به دور از آداب و معاشرت معرفی می‌کند (Simmel, 1969).

پارک معتقد است که رابطهٔ هم جواری و همسایگی، پایه‌ای برای ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل روابط که ما در سازمان زندگی شهری داریم، هستند که تحت نفوذ پیچیده زندگی شهری، آن چه را بتوان احساس معمولی همسایگی نامید، تغییرات جالب و شگفتی یافته است. وسایل آسان رفت و آمد و ارتباطات که افراد را به توزیع توجهشان و زندگی هم زمان در دنیاهای مختلف قادر می‌سازد، گرایش به از بین بردن پایداری و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

صمیمیت همسایگی دارند. رشد شهرها با جایگزینی روابط غیرمستقیم و ثانوی به جای روابط رو در رو و اولیه در همکاری‌های افراد در جامعه همراه بوده است. در یک شهر بزرگ، جایی که جمعیت بی‌ثبات است و افراد در خارج از خانه و اغلب در نواحی دور از شهر اشتغال دارند، جایی که هزاران نفر از مردم، سال‌های سال بدون آن که با هم آشنایی در حد سلام علیک[1] داشته باشند، در کنار هم زندگی می‌کنند، در این صورت روابط صمیمی گروه اولیه ضعیف شده و نظم اخلاقی ملازم آن به تدریج از بین می‌رود (Park, 1969).

از دیدگاه ورت، شهر به جایی نسبتاً وسیع، متراکم و محل سکونت دائمی افرادی که از نظر اجتماعی ناهمگونند، اطلاق می‌شود (Wirth, 1938). «به نظر ورت سه متغیر کلیدی شهرها ـ اندازهٔ جمعیت بزرگ، تراکم جمعیت و ناهمگنی اجتماعی ـ در رشد یک شیوهٔ زندگی شهری ویژه و در حقیقت یک شخصیت شهری متمایز سهم اساسی دارند» (Le Gates and Fredric, 2007). ویرت بیان می‌کند افزایش شمار ساکنان در یک مکان فراتر از حد معینی، بر روابط بین آن‌ها و خصوصیات آن شهر تأثیر می‌گذارد. قیدهای خویشاوندی، مناسبات همسایگی و سایر عواطفی که ممکن است در بین افراد یک اجتماع سنتی قومی وجود داشته باشد در شهر وجود ندارد و یا در بهترین حالت ضعیف است. در چنین شرایطی رقابت جایگزین رسوم همکاری و همدردی که خاص جوامع قومی است می‌گردد. افزایش در شمار ساکنان یک اجتماع ورای بیش از یکصد نفر، بالطبع امکان آشنایی و تماس رو در روی سایر افراد با یک فرد از بین می‌رود. در شهر روابط بیش‌تر از نوع ثانوی هستند تا اولیه، تماس‌ها در شهر ممکن است چهره به چهره باشد اما با وجود این، آن‌ها غیرشخصی، سطحی، گذرا و جزئی هستند. وی بر این نظر است که تراکم جمعیت، سبب به وجود آمدن تفاوت‌ها و تخصصی‌شدن می‌گردد. تراکم دربردارندهٔ تماس‌های فیزیکی نزدیک اما در همان حال تماس‌های اجتماعی فاصله‌دار می‌باشد. پیامد افزایش تراکم جمعیت در نهایت، جدایی محل کار از سکونت، تنش‌های شدید عصبی

1- bowing aquaintance

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ناشی از سرعت و تکنولوژی پیشرفتهٔ حاکم بر مناطق پر تراکم، فاصلهٔ اجتماعی و تنهایی است. از نظر نامتجانسی جمعیت نیز وقتی که عدهٔ کثیری افراد ناهمگن در جایی اجتماع کنند، فرآیند غیرشخصی شدن پدیدار می‌شود و روابط پولی، جایگزین روابط شخصی می‌شود (Wirth, 1938).

۲-۱) دیدگاه ترکیب‌گرایی

شهر از دیدگاه جبرگرایان قاتل اجتماعات صمیمانه و پیوندهای عمیق عاطفی انسآن‌هاست (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۶). در حالی که از منظر این دیدگاه، روابط اجتماعی شهرنشینان متنوع است و ممکن است هم روابط اجتماعی مبتنی بر صمیمیت و عاطفه و هم روابط اجتماعی مدنظر جبرگرایان وجود داشته باشد و تفاوت در آن را می‌توان حاصل متغیرهایی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینهٔ افراد دانست و نه ناشی از متغیرهای اکولوژیکی شهری (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱). در واقع از این دیدگاه، خود شهرنشینی هیچ اثری بر روابط اجتماعی ساکنان شهر ندارد؛ زیرا رفتارها ناشی از ترکیب گروه است (Palen, 2002). به اعتقاد آن‌ها جبرگرایان با مفروض گرفتن ثبات سازمآن‌های اجتماعی، نتوانسته‌اند به تصویری کامل و دقیق از روابط اجتماعی شهری دست یابند. در هر حال آن‌ها تفکیک شدید بین شهر و روستا را به عنوان دو عنصر مخالف از لحاظ روابط اجتماعی نپذیرفته‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱). لوئیس، دانکن و رایز، ژاکوبز و گنز از جمله صاحب‌نظران این دیدگاه هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). اسکار لوئیس می‌گوید که حلقه‌های اجتماعی دوستانه در محیط‌های شهری بر اساس خویشاوندی، قومیت، همسایگی، نوع شغل، شیوه زندگی یا ویژگی‌های همانند شخصی تشکیل شده است که حتی در شهری‌ترین محیط‌ها ادامه پیدا می‌کند و متغیرهای تعداد، تراکم و ناهمگونی فرهنگی افراد، نمی‌تواند شاخص‌های تعیین کنندهٔ مهمی برای زندگی اجتماعی و شخصیت انسان باشد (صدیق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سروستانی، ۱۳۶۹ به نقل از: Lewis, 1965). به نظر ژاکوبز اندیشمندان جبرگرایی، تعصب و سوگیری روستایی دارند و نگرش منفی نسبت به اندازه، تراکم و ناهمگونی شهر دارند و گرنه شهر پر از جنب و جوش، احساسات و پیوندهای عاطفی است (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). گنز از جمله صاحب‌نظران مطرح این دیدگاه، معتقد است که در شهر گروه‌های مختلفی وجود دارند که هر کدام از آن‌ها روابط اجتماعی خاصی دارند. به نظر وی است که آن چه جبرگرایان به ویژه ورت اظهار می‌کنند نادرست است و در شهر فقط یک نوع شیوه زندگی وجود ندارد. روابط اجتماعی اختصاصی مد نظر ورت فقط در مرکز شهر ممکن است وجود داشته باشد و سایر مردم شیوهٔ زندگی متفاوتی دارند که ورت به آن‌ها توجه نکرده است(Gans, 1969). در واقع گنز بر این نظر است که روابط اجتماعی مردم در مرکز شهر را نمی‌توان مانند ورت به تمام مناطق آن تعمیم داد (Kasinitz, 1995). او پنج گروه اجتماعی را در شهرهای امریکا بررسی می‌کند تا شیوه‌های مختلف زندگی را در شهر نشان دهد و این‌که چگونه می‌توان این شیوه‌های متفاوت را تبیین کرد. گروه اول، جهان وطنان هستند. این گروه شامل دانشجویان، هنرمندان، نویسنده‌ها، موسیقی‌دانان، سرگرم‌کننده‌ها و هم‌چنین دیگر روشنفکران و حرفه‌ها می‌باشد. بیش‌تر افراد این گروه، مجرد و یا بدون بچه هستند. آن‌ها شهر را به دلیل دست‌رسی به تسهیلات فرهنگی ویژه انتخاب می‌کنند. آن‌ها با همسایگان خود ارتباطی ندارند و برای خلوت و خصوصیت زندگی خود ارزش زیادی قائل هستند و سطحی‌ترین تماس‌ها را با همسایگان خود دارند. گروه دوم، مجردان یا بی‌بچگان هستند. بخش اعظم آن‌ها زندگی انتقالی دارند. آن‌ها به خاطر مرحلهٔ چرخهٔ زندگیشان، که آزاد از مسئولیت‌های خانوادگی متضمن برخی روابط با ناحیه محلی هستند، با همسایگان ارتباطی ندارند. گروه سوم، روستاییان قوم گرا هستند. آن‌ها گروه‌های قومی هستند که در داخل شهر زندگی می‌کنند. آن‌ها بر خویشاوندی و گروه‌های اولیه تأکید دارند و در بین آن‌ها گمنامی و تماس‌های گروه ثانوی وجود ندارد (Gans, 1969). گروه چهارم و پنجم، محروم شدگان و در تله افتادگان هستند که «اغلب از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مساکین، معلولین، مطلقه‌ها و بیوگان و سیاهان خرابه نشین و آلونک‌نشین‌ها تشکیل می‌شوند» (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹). گنز می‌گوید «این پنج گروه همه در محیط‌های متراکم و ناهمگون زندگی می‌کنند، هم چنین آن‌ها چنان شیوه‌های زندگی متنوعی دارند که سخت است برای فهمیدن این‌که چطوری تراکم و ناهمگونی می‌تواند یک تأثیر مشترک و عمومی را اعمال کند» (Gans, 1969). گنز معتقد است که شرایط اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی، مراحل چرخه زندگی و ناپایداری محل اقامتی، شیوه‌های متنوع روابط اجتماعی را به طور رضایت‌بخش‌تری از تعداد، تراکم و ناهمگنی تبیین می‌کنند. با این که گنز برای نقش ویژگی‌های افراد در تبیین روابط اجتماعی در شهر اهمیت قائل است با این وجود او بر این باور است که تفاوت‌هایی بین روابط اجتماعی محیط‌های شهری و غیرشهری وجود دارد که ویژگی‌های مقیمان قادر به تحلیل آن‌ها نبوده؛ بنابراین بایستی به جنبه‌های محیطی نسبت داده شوند، آن جاست که مشخص می‌شود شهر و غیرشهر تا چه اندازه در تبیین روابط اجتماعی افراد به عنوان متغیرهای مستقل عمل خواهند کرد (Gans, 1969). در هر حال از نظر گنز در تبیین روابط اجتماعی در شهر و غیرشهر، ترکیبی از ویژگی‌های افراد نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد و نوع شغل نسبت به عوامل محیطی از اهمیت بیشتری برخوردارند و این که مکان شهری با توجه به ویژگی‌های آن از اهمیت چندانی در تحلیل روابط اجتماعی برخوردار نیست.

۳-۱) دیدگاه خرده‌فرهنگی

صاحب نظر اصلی دیدگاه خرده‌فرهنگی، کلود فیشر است که وی در مقالهٔ خود تحت عنوان «به سوی تئوری خرده فرهنگی شهرگرایی، ۱۹۷۵» معتقد است در حالی که بیش‌تر تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی بین افراد در کلان‌شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده؛ سهم ویژه رفتار در بین افراد بر اساس محل سکونتشان متفاوت است. به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دلیل اندازهٔ جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند که به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستایی معمولاً آن را به سختی می‌یابند. بر اساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطهٔ با افراد متنوع‌تر از آن‌هایی که در مکان‌های با جمعیت کم‌تری زندگی می‌کنند، فرصت بیش‌تری دارند. بر اساس این دیدگاه، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها که با اندازهٔ جمعیت بزرگ ساخته شده، تفاوت‌ها را در بین رفتارهای شهری و روستایی درست می‌کند (Gottdiener and Hutchison, 2006). بنابراین، زندگی شهری به جای این‌که هرکسی را درون توده‌ای گمنام غرق کند به رواج خرده‌فرهنگ‌های گوناگون گرایش دارد که یک شهر کوچک یا روستا اجازهٔ پیدایش چنین تنوع خرده‌فرهنگی را نمی‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۳). با توجه به این موضوع، فیشر مانند ترکیب‌گرایان معتقد به وجود حلقه‌های صمیمی ارتباط در شهر است. به نظر او روابط اجتماعی شهرنشینان در قالب خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی تقویت می‌شود.

۴-۱) چارچوب نظری این تحقیق

مرور دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد جبرگرایان شهر را عاری از روابط اجتماعی عاطفی و صمیمانه می‌دانند و بر این باورند که شهر دربرداندهٔ انزوا، تنهایی، روابط سرد، خشک و سطحی فاصلهٔ اجتماعی است. در این دیدگاه آن چه باعث شکل‌گیری این نوع از روابط می‌شود خود شهر است. لذا در محیط‌های روستایی چنین شیوه‌ای یافت نمی‌شود. در مقابل نگاه منفی جبرگرایان به شهر، ترکیب گرایان قرار دارند که معتقدند در شهر روابط اولیه و پیوندهای مبتنی بر صمیمت و عاطفه در بین شهرنشینان در گروه‌های مختلف وجود دارد اگرچه شهر ممکن است دربردارندهٔ ساکنانی نیز باشد که روابط از نوع آن چه مدنظر جبرگرایان است؛ داشته باشند و خلاصه این که روابط اجتماعی شهری مملو از تنوع است و آن چه این تنوع را تبیین می‌کند ترکیبی از ویژگی‌های افراد نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد و نوع شغل است تا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ویژگی‌های اکولوژیکی شهر. در این میان دیدگاه فیشر یا خرده‌فرهنگی، با هر دو دیدگاه قبلی موافق است به این صورت که شهر و ویژگی‌های آن افراد با ویژگی‌های مشابه را به هم نزدیک می‌کند و روابط اجتماعی در شهر در قالب خرده‌فرهنگ‌ها تقویت می‌شود.

با توجه به آن چه در توصیف روابط اجتماعی ساکنان شهری بیان شد، روابط اجتماعی ساکنان شهر سردشت را با توجه به دو دیدگاه جبرگرایی و ترکیب گرایی بررسی می‌کنیم به این معنا که بررسی می‌شود روابط افراد دارای ویژگی‌های مدنظر جبرگرایان است یا ترکیب‌گرایان. اما از لحاظ تبیین روابط اجتماعی همان طور که ملاحظه شد هر سه دیدگاه قادر به تبیین بخشی از واقعیت روابط اجتماعی در شهر هستند. دیدگاه ترکیبی به متغیرهای بیش‌تری در تبیین و تحلیل روابط اجتماعی شهرنشینان توجه کرده است و تحلیل کامل‌تری را نسبت به جبرگرایان ارائه می‌دهد اما بی‌توجهی به خود مکان شهر باعث می‌شود که تحلیل ترکیب‌گرایان نقص داشته باشد. دیدگاه‌های جبرگرایی و خرده‌فرهنگی نشان می‌دهند که در تحلیل روابط اجتماعی در شهر با توجه به ویژگی‌های آن باید به شهر به عنوان بستری که در برقراری روابط اجتماعی مؤثر است توجه کرد. از این رو هم خود شهر و هم ویژگی‌های افراد در روابط اجتماعی آن‌ها مؤثر است. به این معنی که روابط اجتماعی شهرنشینان را باید با توجه به بستر شهری مورد بررسی قرار داد که در این بستر افراد دارای ویژگی‌های متفاوت، نوع روابط اجتماعی‌شان متفاوت خواهد بود. برای مثال جهان وطنان در شهر ممکن است که با همسایگان خود روابطی نداشته باشند اما همین افراد در قالب خرده‌فرهنگ‌ها با افراد شبیه خودشان دارای روابط صمیمانه‌ای هستند. بی‌توجهی به بستر شهر در تحلیل روابط اجتماعی شهرنشینان، ما را از شناخت واقعیت روابط اجتماعی در شهر باز می‌دارد. دیدگاه خرده‌فرهنگی نقش بستر شهری در روابط اجتماعی را با صراحت بیش‌تری نشان می‌دهد. نقدی که بر دیدگاه جبرگرایی می‌توان وارد کرد این است که بستر شهری بر همهٔ افراد شهرنشین تأثیر یکسانی دارد در حالی که افراد دارای ویژگی‌های متفاوت، دارای تجربه‌های متفاوتی در شهر هستند. گیدنز می‌گوید

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

«اندیشه‌های ورت تا اندازه‌ای اعتبار خود را حفظ کرده‌اند اما تحقیقات بعدی نشان می‌دهد که بیش از حد تعمیم داده شده‌اند. شهرهای امروزی اغلب متضمن روابط اجتماعی غیرشخصی و گمنام بوده اما در عین حال منبع تنوع و گوناگونی و گاه صمیمیت‌اند» (گیدنز، ۱۳۸۳).

بنابراین در راستای پاسخ به سئوالات تحقیق بررسی خواهد شد که روابط اجتماعی افراد در سطح خویشاوندی، همسایگی و روابط دوستی چگونه است یعنی دارای ویژگی‌های مدنظر جبرگرایان است یا ترکیب‌گرایان و سپس با توجه به دیدگاه ترکیب‌گرایی، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که ویژگی‌های افراد از قبیل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال چه تأثیری بر روابط اجتماعی افراد دارد؟ بررسی ماهیت روابط اجتماعی در شهر وقتی امکان پذیر است که در سطوح مختلفی مانند خویشاوندی، همسایگی، دوستی، محیط‌های شغلی، محیط‌های تحصیلی و سطوح عمومی شهر مانند پارک، داخل فروشگاه و داخل اتوبوس بررسی شود. با توجه به این سطوح می‌توان دریافت که روابط اجتماعی افراد چگونه است. توجه به خود شهر در تمامی این سطوح و همچنین ویژگی‌های افراد در تحلیل روابط اجتماعی ضروری است.

۲) روش تحقیق

روشی که در این مطالعهٔ برای توصیف و تبیین روابط اجتماعی (روابط خویشاوندی، همسایگی و روابط دوستی) در بین شهرنشینان شهر سردشت به کار گرفته شده، روش تحقیق پیمایش است که در آن برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسش‌نامه مبتنی بر مصاحبه استفاده شده است. واحد تحلیل این تحقیق فرد بوده است. واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات مورد نیاز از آن جمع‌آوری می‌شود و سپس خصوصیات آن‌را توصیف می‌کنیم (د واس، ۱۳۸۳). برای سنجش روابط اجتماعی افراد در هر یک از سطوح سه‌گانهٔ مذکور از معرف‌هایی استفاده شده که در محیط فرهنگی سردشت، حد بالای آن‌ها بیان‌گر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

روابط و پیوندهای صمیمانه، عاطفی و گرم در بین افراد است. معرف‌ها بـه صـورت گویـه مطرح شده و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. برای هـر گویـه، چنـد گزینـه بـه عنوان پاسخ، تعیین شده که به هر گزینه یک نمره اختصاص داده شده است. نمرهٔ بـیش‌تـر بیان‌گر روابط و پیوندهای عاطفی، گرم و صمیمانه‌تری است؛ یعنـی هرچـه نمـرهٔ افـراد در یک گویه بیش‌تر باشد، او روابط و پیوندهای عاطفی، گرم و صمیمانه‌تری با دیگران در هر یک از سطوح ذکر شده دارد. دلیل انتخاب سطوح مذکور بـرای بررسـی روابـط اجتمـاعی افراد در سطح شهر این است که ممکن است فرد با خویـشاوندان خـود رابطـهٔای نداشـته باشد اما با همسایگان روابط صمیمی داشته باشد یا این که ممکن است با هیچکدام از ایـن دو گروه رابطهٔای برقرار نکند و صرفاً به روابط دوستانه در سـطح شـهر اکتفـا کنـد. مـورد دیگری که این شیوهٔ بررسی را توجیه می‌کند؛ لزوم درک و فهم دقیق‌تر از روابط اجتمـاعی شهر است که در صورتی که سطوحی برای بررسی روابط اجتماعی در نظـر گرفتـه نـشود نمی‌توان به طور دقیق دریافت که روابط اجتماعی در شهر در چه وضعیتی قرار دارد.

۱-۲) شیوهٔ سنجش متغیرها

۱-۱-۲) متغیر وابسته

روابط اجتماعی با خویشاوندان: روابط اجتماعی افراد با خویشاوندان در دو سـطح افـراد خانواده مانند خواهر و برادر و یا پدر و مادر که جدا از او زندگی می‌کننـد و خویـشاوندان نزدیک مانند خانواده‌های عمو، دایی، عمه و خاله و دیگر افـراد کـه در عـرف، خویـشاوند نزدیک محسوب می‌شوند، بررسی شده است. اگر چه حیطه خویشاوندی، گسترده‌تر از دو سطح بررسی شده است اما در راستای درک بهتر افراد از روابـط خویـشاوندی در فـضای شهری فقط این دو سطح در نظر گرفته شده است. برای سنجش این روابط افراد از معرف رفت و آمد استفاده شده، که هر کدام در قالب یک گویهٔ سئوالی به این صورت که «با ایـن افراد تا چه حد رفت و آمد داریـد؟» مطـرح شـده اسـت. رفـت و آمـد در ایـن سـطح از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

خویشاوندی، بیان‌گر عمق روابط اجتماعی است. در صورتی که در این سطح، رفت و آمدی بین افراد وجود نداشته باشد و یا این که کم باشد، نشان می‌دهد که روابط و پیوندی گرم و صمیمانه وجود ندارد. پاسخ‌های دو گویه، به صورت گزینه‌های «خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد» تعیین شده‌اند.

روابط اجتماعی با همسایگان: معرف‌هایی که برای سنجش روابط اجتماعی افراد با همسایگان در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از: سلام و علیک گرم و صمیمی، رفت و آمد خانوادگی، دعوت به مراسم عروسی، شرکت در مراسم عزاداری و سرزدن به همسایگان در عید فطر. هر یک از این معرف‌ها در قالب یک گویه ارائه شده‌اند. برای آن که بتوان به طور دقیق‌تری به میزان روابط اجتماعی افراد در همسایگی دست یافت، سعی شده است که از واژهٔ «چه تعداد» استفاده شود تا این که از واژهٔ «تا چه حد». در این گویه‌ها نوع روابط، مشخص شده و هرچه تعداد همسایگانی که فرد با آن‌ها، این نوع روابط را برقرار می‌کند، بیش‌تر باشد بیان‌گر روابط و پیوندهای عاطفی، گرم و صمیمانه‌تری است. پاسخ‌های تعیین شده برای گویه‌ها به صورت گزینه‌های «هیچکدام، یکی، دو تا، سه تا، چهار تا و بیش‌تر و همهٔ همسایگان» ذکر شده‌اند.

روابط اجتماعی با دوستان: برای بررسی این که افراد تا چه حد در شهر با دیگران روابط دوستی برقرار می‌کنند تعداد دوست‌های صمیمی که فرد دارد، پرسیده شده است. هر چه دوستان صمیمی فرد بیش‌تر باشد بیان‌گر این است که بخشی از روابط اجتماعی افراد در سطح شهر از ویژگی عاطفه و صمیمیت برخوردار است.

۲-۲-۲) متغیرهای مستقل

هر یک از متغیرهای مستقل بدین صورت عملیاتی شده‌اند: جنسیت (زن و مرد) در سطح سنجش اسمی، سن (تعداد سال‌های زندگی فرد) در سطح سنجش فاصله‌ای، وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) در سطح سنجش اسمی، درآمد (درآمد ماهیانه متوسط خانوار) در سطح سنجش فاصله‌ای، سطح تحصیلات (تعداد سال‌های تحصیلی فرد) در سطح سنجش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

فاصله‌ای، سابقهٔ زندگی در روستا (تعداد سال‌های زندگی در روستا) در سطح سنجش فاصله‌ای و وضعیت اشتغال (شاغل، بیکار، دانشجو، خانه‌دار و سایر (بازنشسته، دارای درآمد بدون کار و سرباز) در سطح سنجش اسمی. این متغیرها در قالب سئوالاتی در پرسش‌نامه مطرح شده‌اند.

۲-۲) روایی و پایایی

سئوالات و گویه‌های مذکور قبل از این که تحقیق اصلی اجرا شود، از نظر روایی و پایایی ارزیابی شده‌اند؛ یعنی از روایی و پایایی مورد نیاز برخوردار هستند. دواس معتقد است ارزیابی روایی و پایایی معرف‌ها بایستی قبل از انجام تحقیق اصلی صورت بگیرد (د واس، ۱۳۸۳).

روایی گویه‌ها و سئوالات با استفاده از روش داوری اجتماع علمی ارزیابی شد. منظور از روایی این است که معرف‌هایی که برای یک مفهوم تهیه شده‌اند همان مفهومی را بسنجند که ما می‌خواهیم اندازه‌گیری‌کنیم (همان). «در ارزیابی روایی معرف‌ها، داوری اجتماع علمی در باب تناسب معرف‌ها با مفهوم مورد سنجش و در تعیین مقدار معرف‌ها بسیار مهم است» (ساعی، ۱۳۸۶). بر اساس این شیوهٔ ارزیابی روایی، ابتدا برای هر یک از مفاهیم، معرف‌هایی (سؤالات و گویه‌هایی) با توجه به زمینهٔ فرهنگی و اجتماعی مکان تحقیق تهیه شد و سپس محققان در مورد این معرف‌ها با تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد که درس جامعه‌شناسی شهری را گذرانده بودند و سایر علاقه‌مندان زمینه‌های شهری مشورت کرده و پس از بحث و بررسی در مورد آن‌ها معرف‌هایی حذف و اضافه شدند. بعد از این مرحله جهت ارتقاء و تأیید روایی نهایی معرف‌ها، سه نفر از اساتید این حوزه نیز در دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، معرف‌ها را بررسی کرده و پیشنهاداتی را در مورد معرف‌ها مطرح کردند و با اعمال نظرات آن‌ها معرف‌هایی (سئوالات و گویه‌هایی) به عنوان معرف‌های مفاهیم انتخاب شدند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

برای برآورد پایایی، گویه‌ها و سئوالات معتبر در قالب پرسش‌نامه‌ای تدوین شده، سپس یک پیش‌آزمون با ۳۰ نفر از پاسخ‌گویانی که بخشی از نمونه تحقیق اصلی بودند، اجرا شد. «سنجشی دارای پایایی است که در صورت تکرار آن در مواقع دیگر به نتایج یکسان برسد. اگر مردم در مواقع مکرر به پرسش پاسخ یکسانی بدهند آن پرسش دارای پایایی است» (د واس، ۱۳۸۳: ۶۳). با استفاده از تجربیات به دست آمده در طی پیش‌آزمون، اشکالات و ناهمواری‌های سئوالات و گویه‌ها برطرف گردید. بدین معنی که تعدادی از سئوالات حذف، تعدادی تغییر و تعدادی جابه جا شدند. پس از اطمینان از روان بودن و آسانی قابلیت درک آن و توانایی یکایک سئوالات در معطوف کردن ذهن پاسخ‌گویان به مسائل مورد نظر و تفهیم صحیح و سریع آن‌ها، مقدمات تحقیق اصلی فراهم شد. در این پیش‌آزمون بر اساس روش آلفای کرونباخ، سازگاری درونی گویه‌های روابط همسایگی نیز بررسی شد که میزان آن ۰/۸۰ بود. «روش آلفای کرونباخ یکی از روش‌های تحلیل پایایی است. این روش برای بررسی سازگاری درونی سئوالات پرسش‌نامه به کارمی‌رود. هرچه سئوالات و گویه‌های یک مقیاس اندازه‌گیری (مانند لیکرت) با یکدیگر سازگارتر باشند آن مقیاس پایاتر است» (ساعی، ۱۳۸۶). سئوالات و گویه‌های ارزیابی شده در پایان در قالب پرسش‌نامهٔ اصلی تدوین شده و داده‌های تحقیق با استفاده از آن گردآوری شد.

۳-۲) جامعهٔ آماری و حجم نمونه

جامعهٔ آماری این تحقیق افراد ۲۰ تا ۶۰ سالهٔ ساکن شهر سردشت هستند که تعداد آن‌ها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، ۱۸۸۵۱ نفر هستند. همان طور که مشاهده می‌شود دو گروه سنی کم‌تر از ۲۰ سال و بالای ۶۰ سال جزء جامعهٔ آماری تحقیق نبوده‌اند. حجم نمونه با استفاده از جدول حجم نمونه دواس (د واس، ۱۳۸۳)؛ ۲۸۹ نفر تعیین شد که خطای نمونه‌گیری قابل قبول ۰/۰۶ – به این معنی که حجم نمونه لازم باید حداقل با درجهٔ اطمینان ۹۴ درصد قابل تعمیم باشد – در سطح اطمینان ۹۵

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

درصد ـ یعنی ۹۵ درصد از نمونه با تفاوت دو انحراف استاندارد در اطراف میانگین قرار می‌گیرد ـ می‌باشد با این شرط که درصد جمعیتی که انتظار می‌رود پاسخ خاصی ارائه دهند ۵۰ به ۵۰ است. پاسخ‌گویان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۵ مرحله‌ای (۱- محله (۱۰ محله بر اساس طرح «ساماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسودهٔ شهر سردشت، ۱۳۸۷»)، ۲- بلوک، ۳- کوچه، ۴- منزل مسکونی و ۵- انتخاب یکی از افراد آن منزل مسکونی که ۲۰ تا ۶۰ بوده و حاضر به مصاحبه باشد) انتخاب شده‌اند. در مواردی که پاسخ‌گویان بیسواد بوده‌اند، مصاحبه به زبان کردی انجام شده است.

۴-۲) شیوهٔ تحلیل داده‌ها

جهت تحلیل داده‌ها متناسب با سطح سنجش آن‌ها در سطح تحلیل توصیفی، از آماره‌های توصیفی میانگین، میانه و هم‌چنین علاوه بر آماره‌ها از جدول و در سطح تحلیل تبیینی، از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

۳) یافته‌ها

۳-۱) تحلیل توصیفی

در این قسمت در ابتدا، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی که به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق نیز هستند و سپس متغیر وابسته روابط اجتماعی در سطوح سه‌گانه توصیف خواهند شد.

۳-۱-۱) توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (متغیرهای مستقل)

۵۴ درصد پاسخ‌گویان زن و ۴۶ درصد آن‌ها مرد هستند. حداقل سن پاسخ‌گویان ۲۰ و حداکثر سن آن‌ها ۶۰ سال است. میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۴ سال و انحراف استاندارد آن ۱۱/۱۹ است. ۳۳/۶ درصد پاسخ‌گویان، مجرد و ۶۶/۴ آن‌ها متأهل هستند. میانگین متوسط

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

درآمد ماهیانـهٔ خـانوار پاسـخ‌گویـان در حـدود ۳۳۶۰۰۰ تومـان و انحـراف اسـتاندارد آن ۱۹۳۱۱۲ است. میانهٔ متوسط درآمد ماهیانه خانوار ۳۰۰۰۰۰ تومان اسـت. حـداقل متوسـط درآمد ماهیانـهٔ خـانوار ۵۰۰۰۰ و حـداکثر آن ۱۲۰۰۰۰۰ تومـان اسـت. میـزان تحـصیلات پاسخ‌گویان از بیسواد تا کارشناسی ارشد متغیر اسـت. ۱۴/۹ درصـد پاسـخ‌گویـان بیـسواد، ۲۳/۲ درصد زیر دیپلم، ۳۶/۳ درصد دیپلم، ۹/۳ درصد کاردانی، ۱۳/۸ درصد کارشناسـی و ۲/۴ درصد آن‌ها کارشناسـی ارشـد هـستند. از نظـر نظـر وضـعیت اشـتغال، ۴۰/۸ درصـد پاسخ‌گویان شاغل، ۶/۹ درصد بیکار، ۹ درصد دانشجو، ۳۹/۱ درصد خانـه‌دار، ۴/۲ درصـد نیز جزء سایر (بازنشسته، دارای درآمد بدون کار و سرباز) هستند.

۲-۱-۳) روابط اجتماعی

۱-۲-۱-۳) روابط اجتماعی خویشاوندی

در جدول شمارهٔ ۱، توزیع فراوانی رفت و آمد افراد با اعضای خـانواده‌اش کـه جـدا از او زندگی می‌کنند و هم چنین خویشاوندان نزدیک نشان داده شده است. داده‌های ارائـه شـده در جدول مزبور، بیان‌گر این مطلب است که رفت و آمـد در ایـن دو حـوزهٔ خویـشاوندی نسبتاً بالاست و موارد «خیلی کم و کم» درصد زیادی را به خود اختصاص نداده اسـت. در مجموع اگر گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را با هم جمع ببندیم، در حدود ۷۰ درصد افراد با اعضای خانواده خود که جدا از او زندگی می‌کنند و نزدیک به ۶۵ درصد بـا خویـشاوندان نزدیک خود رفت و آمد زیادی دارند. از این رو اکثریت افراد دارای روابط نسبتاً صمیمی و عاطفی با این اعضا هستند. اگر چه تفاوت چندانی بین رفت و آمد افراد با اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک وجود ندارد اما رفت و آمد افراد با اعضا خانواده، بیش‌تـر از دیگـر خویشاوندان است و هم‌چنان که در جدول دیده می‌شود، در حدود ۱۴ درصد افراد، رفـت و آمد کمی با خویشاوندان نزدیک خود دارند. در هر دو گروه نـسبت افـرادی کـه روابـط متوسطی با اعضای خانواده و دیگر خویشاوندان دارند، یک پنجم جمعیت را در برمی‌گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در مجموع، میانگین روابط افراد در سطح خویشاوندی بر روی طیف (۱۰-۰)، ۷/۱۴ و انحراف استاندارد آن، ۲/۳۰ است.

جدول ۱- توزیع فراوانی رفت و آمد با اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک

رفت و آمد	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	N
اعضای خانواده	۳/۱	۴/۵	۲۲/۵	۳۶/۳	۳۳/۶	۲۸۹
خویشاوندان نزدیک	۴/۲	۹/۳	۲۱/۸	۳۳/۲	۳۱/۵	۲۸۹

جدول شماره ۲، توزیع فراوانی روابط خویشاوندی را در کل نشان می‌دهد. داده‌های ارائه شده در جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهد که روابط اجتماعی افراد با خویشاوندان، بیان‌گر روابطی صمیمی و عاطفی است؛ زیرا اکثریت افراد یعنی نزدیک به ۷۷ درصد، با خویشاوندان خود روابط اجتماعی زیادی دارند. بر اساس داده‌های ارائه شده در جدول می‌توان مدعی بود که روابط اجتماعی خویشاوندی در بین شهرنشینان سردشت بیش‌تر از ویژگی‌های مدنظر ترکیب‌گرایان تبعیت می‌کند و نوع روابط اجتماعی افراد در این سطح از روابط شهری، متناقض با ویژگی‌های روابط اجتماعی شهری در نزد جبرگرایان می‌باشد و میزان شهرگرایی پایین است. تعداد افرادی که دارای روابط متوسط و یا کم‌تر از آن هستند، نسبتاً اندک است.

جدول ۲- توزیع فراوانی روابط اجتماعی در سطح خویشاوندی

سطح روابط اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۷	۲/۴	۲/۴	۲/۴
کم	۲۸	۹/۷	۹/۷	۱۲/۱
متوسط	۳۳	۱۱/۴	۱۱/۴	۲۳/۵
زیاد	۱۱۵	۳۹/۸	۳۹/۸	۶۳/۳
خیلی زیاد	۱۰۶	۳۶/۷	۳۶/۷	۱۰۰
جمع	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۲-۲-۱-۳) روابط اجتماعی همسایگی

در جدول شمارهٔ ۳، روابط اجتماعی افراد با همسایگان در تعدادی از ابعاد آن نشان داده شده است. بر اساس داده‌های ارائه شده در این جدول، این که افراد در هر یک از ابعاد با هیچکدام از همسایگان خود روابطی نداشته باشند، نسبت به بقیهٔ موارد درصد اندکی را به خود اختصاص می‌دهد. فقط در زمینهٔ رفت و آمد خانوادگی است که درصد افرادی که با هیچ کدام از همسایگان خود روابطی ندارند، درصد قابل توجهی است. البته در همین زمینه مشاهده می‌شود که اکثر افراد با یک همسایهٔ خود، بیش‌تر رفت و آمد دارند که حتی درصد افرادی که با چهار تا همسایه و بیش‌تر از آن رفت و آمد دارند، نسبتاً درصد بالایی است. در مجموع هم‌چنان که داده‌ها نشان می‌دهند، نزدیک به ۵۸ درصد افراد حداقل با سه همسایه رفت و آمد دارند و در حدود ۸۶ درصد، با یک همسایه و بیش‌تر، رفت و آمد خانوادگی دارند و این حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق افراد، با همسایگان خود روابط عمیقی دارند زیرا رفت و آمد خانوادگی بیان‌گر عمق روابط اجتماعی است.

جدول ۳- توزیع فراوانی روابط همسایگی در ابعاد آن

نوع روابط	هیچکدام	یکی	دو تا	سه تا	چهار تا و بیشتر	همه	N
سلام و علیک گرم	۵/۲	۸/۷	۱۳/۱	۱۵/۲	۳۹/۴	۱۸/۳	۲۸۹
رفت و آمد خانوادگی	۱۴/۲	۱۴/۹	۱۳/۵	۲۰/۸	۲۷/۳	۹/۳	۲۸۹
دعوت به مراسم عروسی	۴/۸	۳/۸	۶/۶	۷/۶	۳۰/۸	۴۶/۴	۲۸۹
شرکت در مراسم عزاداری	۲/۱	۰/۷	۳/۱	۲/۸	۱۴/۹	۷۶/۵	۲۸۹
دیدار عید فطر	۶/۲	۴/۲	۵/۵	۸/۰	۲۵/۶	۵۰/۵	۲۸۹

این‌که درصد قابل توجهی از افراد با همسایگان خود رفت و آمد خانوادگی نداشته باشند، می‌توان گفت که در ابعاد دیگر روابط همسایگی این مورد قابل چشم پوشی است؛ زیرا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

هم‌چنان که در جدول شمارهٔ ۳ مشاهده می‌شود، حداقل افراد در رابطهٔ با همسایگان خود، نوعی از روابط اجتماعی را دارا هستند؛ مثلاً درصد بسیار اندکی از افراد هستند که در مراسم عزاداری هیچ‌کدام از همسایگان خود شرکت نمی‌کنند. به هر صورت در هر یک از ابعاد ذکر شده درصدی از افراد با هیچ‌کدام از همسایگان خود رابطهٔای ندارند اما این دال بر این مطلب نیست که همسایگان با همدیگر رابطهٔای نداشته باشند. اکثریت قریب به اتفاق افراد، حداقل با یکی از همسایگان خود سلام و علیک گرم و صمیمی و احوالپرسی دارند، هم‌چنان که در جدول شمارهٔ ۳، دیده می‌شود، با افزایش تعداد همسایگان که با همدیگر سلام و علیک گرم و صمیمی دارند یعنی از یک همسایه تا چهار تا و بیش‌تر، بر درصد افراد نیز افزوده می‌شود. تعداد افرادی که با همهٔ همسایگان خود این رابطهٔ را دارا هستند، نزدیک به یک پنجم است. در مجموع سلام و علیک گرم و صمیمی بین همسایگان یک بعد صمیمیت رفتاری را نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق شهرنشینان شهر سردشت این نوع رابطهٔ را با همسایگان خود برقرار می‌کنند.

در زمینهٔ دعوت به مراسم عروسی که نشان دهندهٔ بخشی از روابط همسایگی است، نزدیک به نیمی از افراد، همهٔ همسایگان خود را به مراسم عروسی خانوادگی‌شان دعوت می‌کنند. در حدود ۸۵ درصد افراد سه همسایهٔ خود و بیش‌تر از آن را به مراسم عروسی‌شان دعوت می‌کنند. بر این اساس در این زمینه نیز روابط بالایی بین همسایگان وجود دارد. شرکت در مراسم عروسی همدیگر نشان از این دارد که همسایگان در حوزه‌های خصوصی روابط، علاوه بر رفت و آمد خانوادگی با همدیگر صمیمیت ویژه‌ای دارند و این به مشارکت و تعاون بیش‌تر در امور مختلف از جمله مراسم عروسی همدیگر می‌انجامد و همچنان که در مشاهدات میدانی نیز ملاحظه می‌شود، همسایگان در این زمینه همکاری بالایی با همدیگر دارند.

شرکت در مراسم عزاداری، از جمله ابعاد مهم روابط اجتماعی همسایگی است که هم‌چنان که در جدول شمارهٔ ۳ نشان داده شده است، اکثریت افراد در مراسم عزاداری همهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

همسایگان خود شرکت می‌کنند. چنان که قبلاً هم اشاره شد، در این بعد روابط همسایگی درصد افرادی که در مراسم عزاداری هیچ یک از همسایگان خود شرکت نمی‌کنند، بسیار اندک است. در این بعد نیز مانند شرکت در مراسم عروسی همدیگر عمق مشارکت و همکاری در همسایگی مشاهده می‌شود اما تفاوتی که بین این دو مورد وجود دارد این است که در مراسم عروسی مشارکت و همکاری مبتنی بر دعوت افراد از همدیگر است چنان که داده‌های جدول شماره ۳ نیز نشان می‌دهند موضوع به این صورت است که افراد چه تعداد از همسایگان خود را به مراسم عروسی خانوادگی خود دعوت می‌کنند، در حالی که در زمینهٔ شرکت در مراسم عزاداری قضیه به صورتی دیگر است. در این مورد کسی از همسایه‌اش انتظار شرکت در مراسم عزاداریش را ندارد و دعوت و فراخوانی هم در میان نیست. بنابراین شرکت در مراسم عزاداری همسایگان، آن هم شرکت اکثریت افراد در مراسم همهٔ همسایگان، بیان‌گر همکاری و مشارکت و خود را در غم همسایگان شریک دانستن است و هم چنین بعد عاطفی روابط همسایگی را در بین ساکنان شهر سردشت آن هم در این برههٔ حساس نشان می‌دهد.

دیدار همسایگان در عید فطر از قدیم یکی از سنت‌های دینی و فرهنگی مناطق کردنشین است. داده‌های ارائه شده در جدول نشان می‌دهند که اکثریت قریب به اتفاق افراد حداقل به سه همسایهٔ خود در عید فطر سر می‌زنند. بیش از نیمی از افراد به همهٔ همسایگان خود در این عید سرمی‌زنند. افرادی که به هیچکدام از همسایگان خود در عید فطر سرنمی‌زنند از درصد اندکی برخوردارند. موارد اشاره شده نشان می‌دهد که روابط همسایگی در ابعاد مختلف آن از میزان عاطفه و صمیمیت برخوردار است و این نشان می‌دهد که شواهدی که دال بر تأیید نظر جبرگرایان در رابطهٔ با روابط اجتماعی شهری باشد، در بین شهرنشینان شهر سردشت در حیطهٔ روابط همسایگی وجود ندارد و می‌توان گفت که روابط اجتماعی همسایگی در بین شهرنشینان شهر سردشت دارای ویژگی‌های شهرگرایی نیست بلکه مبتنی بر پیوندهای صمیمی و عاطفی است و یا لااقل این که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

روابطی سرد و خشک بنابر نظر جبرگرایان در این شهر و در حیطهٔ همسایگی حاکم نیست.

در مجموع، میانگین روابط همسایگی بر روی طیف (۱۰-۰)، ۷/۵۳ و انحراف استاندارد آن، ۲ می‌باشد. جدول شمارهٔ ۴، توزیع فراوانی روابط اجتماعی در سطح همسایگی را در کل نشان می‌دهد. داده‌های ارائه شده در جدول نشان می‌دهند که نزدیک به نیمی از افراد روابط خیلی زیادی با همسایگان خود دارند و اگر گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را با هم جمع ببندیم، می‌بینیم که ۸۳ درصد یعنی اکثریت قاطع افراد دارای روابط زیادی با همسایگان خود هستند. تعداد افرادی که روابط متوسط و کم‌تر از آن را با همسایگان دارند، نسبت به بقیهٔ موارد اندک است. همچنان که در توصیف ابعاد همسایگی نیز اشاره شد، روابط اجتماعی شهرنشینان شهر سردشت در این بعد از روابط اجتماعی از ویژگی پیوندهای عاطفی و گرم برخوردار است و بر این اساس از ویژگی‌های مدنظر ترکیب‌گرایان پیروی می‌کند.

جدول ۴- توزیع فراوانی روابط اجتماعی در سطح همسایگی

سطح روابط اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۷	۲/۴	۲/۴	۲/۴
کم	۱۵	۵/۲	۵/۲	۷/۶
متوسط	۲۹	۱۰	۱۰	۱۷/۶
زیاد	۹۴	۳۲/۵	۳۲/۵	۵۰/۲
خیلی زیاد	۱۴۴	۴۹/۸	۴۹/۸	۱۰۰
جمع	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	

۳-۲-۱-۳) روابط دوستی

یکی از ابعاد روابط اجتماعی، روابط دوستی است. در سنجش روابط دوستی، تعداد دوستان صمیمی افراد در سطح شهر بررسی شده است. میانگین روابط دوستی صمیمی بر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

روی طیف (۱۰-۰)، ۶/۴۶ و انحراف استاندارد آن، ۳/۰۵ می‌باشد. در جدول شمارهٔ ۵، توزیع فراوانی روابط دوستی صمیمی نشان داده شده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی تعداد دوستان صمیمی فرد در شهر

تعداد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۲۰	۶/۹	۶/۹	۶/۹
کم	۳۶	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۹/۴
تا حدودی	۷۱	۲۴/۶	۲۴/۶	۴۳/۹
زیاد	۷۹	۲۷/۳	۲۷/۳	۷۱/۳
خیلی زیاد	۸۳	۲۸/۷	۲۸/۷	۱۰۰
جمع	۲۸۹	۱۰۰	۱۰۰	

داده‌های ارائه شده در جدول مزبور بیان‌گر آن است که نزدیک به ۳۰ درصد افراد، دوستان صمیمی خیلی زیادی دارند. اگر درصد موارد زیاد و خیلی زیاد را با هم جمع ببندیم، بیش از نیمی از افراد دارای دوستان صمیمی زیادی هستند. درصد افرادی که بیان کرده باشند که دوستان کم و یا خیلی کمی داشته باشند، نسبت به بقیهٔ موارد اندک است. با افزایش تعداد دوستان بر میزان فراوانی آن نیز افزوده می‌شود. در مجموع می‌توان بیان کرد که همهٔ افراد به نحوی دارای دوستان صمیمی هستند که تعداد آن‌ها متغیر است. این موضوع بیان‌گر آن است که روابط اجتماعی شهرنشینان در شهر سردشت در حیطهٔ دوستان صمیمی نیز مانند دیگر حیطه‌های بحث شده در مباحث قبلی، از ویژگی‌های مدنظر جبرگرایان پیروی نکرده و می‌توان گفت که از این لحاظ نیز روابط افراد، روابط اولیه بوده و مبتنی بر پیوندهای عاطفی و صمیمانه است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که روابط اجتماعی شهرنشینان شهر سردشت در ابعاد خویشاوندی، همسایگی و دوستی مبتنی بر ویژگی‌های روابط اولیه است تا ثانوی و این موضوع نشان می‌دهد که روابط اجتماعی در شهر سردشت براساس دیدگاه‌های نظری جبرگرایان، دارای خصلت‌های شهرگرایی نیست بلکه تا حد زیادی از ویژگی‌های دیدگاه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نظری ترکیب‌گرایان تبعیت می‌کند. اطلاعات ارائه شده در جداول ۱ تا ۵ نشان داد که میزان روابط اجتماعی افراد در هر یک از حیطه‌ها از گزینه‌های مختلفی برخوردار است و همهٔ افراد دارای یک شیوهٔ مشابه نیستند به این معنا که برخی از افراد دارای روابط اجتماعی بالا هستند و برخی دیگر روابط اجتماعی پایین و یا در حد متوسط دارند.

در بخش بعدی، سعی بر این خواهد بود که بر اساس دیدگاه ترکیب‌گرایی، عوامل مؤثر بر میزان تغییرات روابط اجتماعی شهرنشینان شهر سردشت در هر یک از حیطه‌ها بررسی شود. بر اساس این دیدگاه، میزان روابط اجتماعی افراد بسته به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی متفاوت است. بر این اساس می‌توان گفت که افراد متفاوت در شهر دارای تجربه‌های متفاوتی از لحاظ روابط اجتماعی خواهند بود.

۲-۳) تحلیل تبیینی

۱-۲-۳) جنسیت و روابط اجتماعی

برای بررسی رابطهٔ جنسیت و روابط اجتماعی از آزمون T استفاده شده است. با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول شمارهٔ ۶، میزان روابط اجتماعی زنان در سطح همسایگی و خویشاوندی بیش‌تر از مردان است اما در زمینهٔ روابط دوستی، مردان بیش‌تر از زنان از این نوع روابط در سطح شهر برخوردارند. از آن جا که زنان معمولاً در خانه مشغول به فعالیت هستند و مردان معمولاً در بیرون از منزل، قاعدتاً بخشی از این تفاوت به همین موضوع برمی‌گردد. با توجه به سطح معنی‌داری، تفاوت‌های ذکر شده فقط در این نمونه وجود دارد و معنادار نیست، از این رو قابل تعمیم به کل جامعهٔ آماری نیست، لذا، جنسیت تغییرات روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت، تبیین نمی‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۶- بررسی رابطهٔ بین جنسیت و روابط اجتماعی

نوع روابط	جنسیت	N	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
روابط خویشاوندی	زن	۱۵۶	۷/۱۸	۲/۱۸	۰/۲۸۸	۲۸۷	۰/۷۷۴
	مرد	۱۳۳	۷/۱۰	۲/۴۵			
روابط همسایگی	زن	۱۵۶	۷/۶۱	۲/۰۷	۰/۷۷۱	۲۸۷	۰/۴۴۴
	مرد	۱۳۳	۷/۴۳	۱/۹۰			
روابط دوستی	زن	۱۵۶	۶/۲۳	۳/۱۱	۱/۳۷۹	۲۸۷	۰/۱۶۹
	مرد	۱۳۳	۶/۷۳	۲/۹۵			

۲-۲-۳) سن و روابط اجتماعی

برای بررسی رابطهٔ بین این دو متغیر از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده است. جدول شمارهٔ ۷ نتایج حاصله را نشان می‌دهد. داده‌های ارائه شده در جدول، بیان‌گر این مطلب است که با افزایش سن بر میزان روابط خویشاوندی و همسایگی افزوده می‌شود اما در مورد روابط دوستی، عکس این موضوع صادق است یعنی با افزایش سن، از تعداد دوستان صمیمی فرد کاسته می‌شود. همبستگی پیرسون بین سن و روابط دوستی و خویشاوندی، مقدار کمی است و همین رابطهٔ هم فقط در بین نمونهٔ این تحقیق وجود دارد و قابل تعمیم به جامعهٔ آماری نیست. بر این اساس سن نمی‌تواند میزان تغییرات روابط خویشاوندی و دوستی را تبیین کند. اما هم‌چنان که اشاره شد با افزایش سن بر میزان روابط همسایگی افزوده می‌شود و این رابطهٔ معنی‌دار بوده؛ بنابراین سن میزان تغییرات روابط همسایگی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت که با افزایش سن، روابط شهرنشینان در سطح شهر، بیش‌تر به سمت روابط همسایگی گرایش پیدا می‌کند. در حالی که در مورد روابط دوستی، هرچه سن کم‌تر باشد، این رابطه بیش‌تر است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۷- بررسی رابطهٔ بین سن و روابط اجتماعی

نوع روابط	r	سطح معنی‌داری	N
روابط خویشاوندی	۰/۰۹۷	۰/۱۰۱	۲۸۹
روابط همسایگی	۰/۲۶۱	۰/۰۰۰	۲۸۹
روابط دوستی	-۰/۰۹۸	۰/۰۹۵	۲۸۹

۳-۲-۳) وضعیت تأهل و روابط اجتماعی

برای بررسی رابطهٔ وضعیت تأهل و روابط اجتماعی از آزمون T استفاده شده است. داده‌های ارائه شده در جدول شمارهٔ ۸ بیان‌گر آن است که میزان روابط اجتماعی در بین دو گروه مجرد و متأهل متفاوت است. در سطح روابط خویشاوندی و همسایگی، افراد متأهل بیش‌تر از افراد مجرد رابطهٔ برقرار می‌کنند. در حالی‌که در سطح روابط دوستی، افراد مجرد روابط دوستی بیش‌تری دارند. بر اساس نظر گنز، افراد مجرد، فارغ از مسئولیت‌های مربوط به بچه‌ها و مسائلی از این نوع هستند بنابراین کم‌تر از افراد متأهل روابط همسایگی برقرار می‌کنند. لازم به ذکر است که تفاوت‌های مشاهده شده فقط در بین نمونهٔ آماری وجود دارد و قابل تعمیم به جامعهٔ آماری نیست. از این رو وضعیت تأهل نمی‌تواند میزان تغییرات روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین کند.

جدول ۸- بررسی رابطهٔ بین وضعیت تأهل و روابط اجتماعی

نوع روابط	وضعیت تأهل	N	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجهٔ آزادی	سطح معنی‌داری
روابط خویشاوندی	مجرد	۹۷	۶/۹۵	۲/۲۶	۰/۹۹۹	۲۸۷	۰/۳۱۹
	متأهل	۱۹۲	۷/۲۴	۲/۳۲			
روابط همسایگی	مجرد	۹۷	۷/۳۱	۱/۸۴	۱/۳۰۶	۲۸۷	۰/۱۹۳
	متأهل	۱۹۲	۷/۶۴	۲/۰۷			
روابط دوستی	مجرد	۹۷	۶/۷۸	۲/۹۷	۱/۲۵۶	۲۸۷	۰/۲۱۰
	متأهل	۱۹۲	۶/۳۰	۳/۰۸			

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۳-۲-۴) درآمد و روابط اجتماعی

برای بررسی رابطهٔ بین این دو متغیر ضریب همبستگی r پیرسون به کار گرفته شده است. نتایج حاصله در جدول شمارهٔ ۹ ارائه شده است. بر اساس داده‌های ارائه شده در جدول مزبور، با افزایش درآمد میزان روابط خویشاوندی و همسایگی کاهش و بر میزان روابط دوستی افزوده می‌شود. در این میان افزایش درآمد بیش‌تر به کاهش رابطهٔ همسایگی می‌انجامد تا رابطهٔ خویشاوندی. اما هم‌چنان که میزان سطح معنی‌داری نشان می‌دهد، این تفاوت‌ها فقط در این نمونهٔ آماری وجود دارد و قابل تعمیم به جامعهٔ آماری نیست. لذا درآمد خانوار، تغییرات روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین نمی‌کند.

جدول ۹- بررسی رابطهٔ بین درآمد و روابط اجتماعی

نوع روابط	r	سطح معنی‌داری	N
روابط خویشاوندی	-۰/۰۲۰	۰/۷۳۶	۲۸۹
روابط همسایگی	-۰/۱۰۵	۰/۰۷۵	۲۸۹
روابط دوستی	۰/۰۸۶	۰/۱۴۵	۲۸۹

۳-۲-۵) سطح تحصیلات و روابط اجتماعی

در بررسی رابطهٔ بین این دو متغیر از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده است. نتایج حاصله در جدول شمارهٔ ۱۰ مشاهده می‌شود. با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول، با افزایش سطح تحصیلات، روابط همسایگی و خویشاوندی کاهش می‌یابد اما عکس آن در مورد روابط دوستی صادق است؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات فرد افزایش یابد بر میزان روابط دوستی افزوده می‌شود. افزایش سطح تحصیلات باعث کاهش بیش‌تری در رابطهٔ همسایگی می‌شود تا در رابطهٔ خویشاوندی. با توجه به سطح معنی‌داری در این دو سطح روابط اجتماعی، رابطهٔ موجود بین سطح تحصیلات و این دو سطح معنی‌دار بوده؛ بنابراین سطح تحصیلات میزان تغییرات روابط خویشاوندی و همسایگی را در بین شهرنشینان شهر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سردشت تبیین می‌کند. در حالی که تأثیر سطح تحصیلات بر رابطهٔ دوستی فقط در بین این نمونهٔ آماری وجود دارد و قابل تعمیم به جامعهٔ آماری نیست. از این رو سطح تحصیلات میزان تغییرات این سطح از روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین نمی‌کند.

جدول ۱۰: بررسی رابطهٔ بین سطح تحصیلات و روابط اجتماعی

نوع روابط	r	سطح معنی‌داری	N
روابط خویشاوندی	-۰/۱۵۷	۰/۰۰۷	۲۸۹
روابط همسایگی	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۲۸۹
روابط دوستی	۰/۱۰۷	۰/۰۷۱	۲۸۹

۶-۲-۳) وضعیت اشتغال و روابط اجتماعی

برای بررسی رابطهٔ بین وضعیت اشتغال و روابط اجتماعی از آزمون F یا تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. لازم به ذکر است که فقط گروه‌های شاغل، دانشجو و خانه‌دار در این تحلیل گنجانده شده‌اند. داده‌های ارائه شده در جدول شمارهٔ ۱۱، نشان می‌دهد که میزان روابط خویشاوندی در بین سه گروه متفاوت است. افراد خانه‌دار نسبت به دو گروه با خویشاوندان خود روابط بیش‌تری دارند. دانشجویان کم‌تر از دو گروه خانه‌دار و شاغل با خویشاوندان خود رابطهٔ برقرار می‌کنند. در زمینهٔ روابط همسایگی نیز افراد خانه‌دار بیش از دو گروه دیگر با همسایگان خود رابطه دارند که این میزان رابطهٔ آن‌ها با همسایگان بیش‌تر از روابط برقرار شده با خویشاوندان است. در این جا نیز دانشجویان نسبت به دو گروه، رابطهٔ کم‌تری با همسایگان خود دارند. در زمینهٔ روابط دوستی، میزان روابط دانشجویان نسبت به دو گروه خانه‌دار و شاغل، بیش‌تر است و در این سطح از روابط اجتماعی، افراد خانه‌دار از کم‌ترین میزان نسبت به دو گروه دیگر برخوردارند. در مجموع دانشجویان، بیش‌تر با دوستان در سطح شهر رابطه برقرار می‌کنند

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

و روابط همسایگی و خویشاوندی در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. افراد خانه‌دار نیز بیش‌تر با همسایگان خود رابطه برقرار می‌کنند و روابط خویشاوندی و دوستی به مراتب دارای میزان کم‌تری است. میزان روابط شاغلین هم بیش‌تر در سطح همسایگی است. شاید این وضعیت به این دلیل باشد که بیش‌تر شاغلین (۷۳/۸ درصد) متأهل هستند و چنان که در وضعیت تأهل بررسی شد، افراد متأهل رابطهٔ بیش‌تری با همسایگان خود نسبت به دو سطح دیگر دارند. با وجود همهٔ این تفاسیر، سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که تفاوت‌های مذکور فقط در بین این نمونه وجود دارد و تفاوت معنی‌داری نبوده، بنابراین قابل تعمیم به جامعهٔ آماری نیست. از این رو، وضعیت اشتغال میزان تغییرات روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین نمی‌کند.

جدول ۱۱- بررسی رابطهٔ بین وضعیت اشتغال و روابط اجتماعی

نوع روابط	وضعیت اشتغال	N	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معنی‌داری
روابط خویشاوندی	شاغل	۱۱۸	۷/۰۱	۲/۳۶	۱/۲۹۳	۰/۲۷۶
	دانشجو	۲۶	۶/۵۰	۲/۲۵		
	خانه‌دار	۱۱۳	۷/۲۷	۲/۲۲		
روابط همسایگی	شاغل	۱۱۸	۷/۵۰	۱/۷۵	۱/۱۱۶	۰/۳۲۹
	دانشجو	۲۶	۷/۰۱	۲/۰۲		
	خانه‌دار	۱۱۳	۷/۶۵	۲/۲۰		
روابط دوستی	شاغل	۱۱۸	۶/۴۸	۳/۰۳	۲/۷۲۱	۰/۰۶۸
	دانشجو	۲۶	۷/۵۰	۲/۳۴		
	خانه‌دار	۱۱۳	۶/۰۰	۳/۲۰		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۴) نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد که روابط اجتماعی شهری با توجه به سه سطح روابط خویشاوندی، همسایگی و دوستی در بین شهرنشینان شهر سردشت با ویژگی‌های مدنظر دیدگاه جبرگرایان تطابق ندارد و این روابط بیش‌تر مبتنی بر پیوندهای عاطفی و صمیمانه و از نوع روابط اولی است تا ثانوی؛ در حالی که از منظر صاحب‌نظران این دیدگاه، ثانوی بودن روابط اجتماعی در شهر یکی از ویژگی‌های آن است. لذا الگوهای روابط اجتماعی در بین شهرنشینان شهر سردشت از ویژگی‌های صاحب‌نظران دیدگاه ترکیب‌گرایی که معتقدند در شهر روابط صمیمانه، عاطفی و پیوندهای عمیق همسایگی، خویشاوندی، گروه‌های دوستان و بازی و ... وجود دارد، تبعیت می‌کند. زمانی می‌توان گفت که روابط اجتماعی در شهر اولیه است یا ثانوی و یا دیگر ویژگی‌های متناظر با آن؛ که روابط اجتماعی شهری را در سطوح گوناگونی در نظر گرفت. لازم به ذکر است با توجه به این که دو گروه سنی کم‌تر از ۲۰ سال و بالای ۶۰ سال، جزء جامعهٔ آماری تحقیق نبوده و نمونه‌ای از میان آن‌ها انتخاب نشده؛ از این رو نتایج تحقیق فقط به جامعهٔ آماری ۲۰ تا ۶۰ سال قابل تعمیم است.

بررسی روابط بین ویژگی‌های جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد با روابط اجتماعی آن‌ها، نشان داد که میزان روابط اجتماعی بسته به تفاوت این ویژگی‌ها در بین افراد، تغییر می‌کند. همچنین افراد متفاوت در هریک از سطوح روابط اجتماعی با همدیگر متمایز هستند. مثلاً با افزایش سن، میزان روابط همسایگی افزایش می‌یابد ولی در این سطح، افراد خانه‌دار بیش‌تر از دانشجویان با همسایگان رابطهٔ برقرار می‌کنند در حالی که دانشجویان در حیطهٔ دوستی، بیش‌تر از افراد خانه‌دار، روابط دوستانه دارند. علی‌رغم تفاوت‌های موجود در میانگین روابط اجتماعی افراد گوناگون از نظر ویژگی‌های مختلف جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال در هر کدام از سه سطح، این تفاوت‌ها چندان زیاد نبوده و به جز بین سن و سطح

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تحصیلات با روابط همسایگی و همچنین سطح تحصیلات با روابط خویشاوندی (با شدت خیلی کمی)، بین بقیهٔ متغیرهای مستقل و روابط در هر سه سطح، از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. از این رو این متغیرها نمی‌توانند تغییرات روابط اجتماعی را در بین شهرنشینان شهر سردشت تبیین کنند. این موضوع بیان‌گر این است که افراد شهرنشین در شهر سردشت از نظر میزان روابط اجتماعی در سطح همسایگی، خویشاوندی و روابط دوستی تا حد زیادی متجانس هستند و تفاوت در ویژگی‌ها نمی‌تواند تغییرات اندک میزان روابط اجتماعی را تبیین کند. البته لازم به ذکر است که متغیرهای دیگری هستند که بر اساس دیدگاه ترکیب‌گرایی در این تحقیق لحاظ نشده‌اند. ضمناً بخشی دیگر از عواملی که در تبیین روابط اجتماعی در این تحقیق کنار گذاشته شده‌اند، عوامل اکولوژیکی هستند. از نظر جبرگرایان به ویژه ورت، هر چه بر میزان عوامل اکولوژیک شهر افزوده می‌شود، روابط اجتماعی بیش‌تر به سمت ویژگی‌های روابط ثانویه متمایل می‌شود. بر این اساس در شهر سردشت هر چند تا اندازهٔ زیادی متغیرهای اکولوژیکی شهر نظیر افزایش و تراکم جمعیت، محرک‌های تأثیرگذار شهری مانند سروصداها، افزایش وسایل نقلیه و گروه‌های مختلف مردمی وجود دارد؛ با این وجود ویژگی روابط اجتماعی شهرنشینان شهر سردشت از این عوامل اکولوژیکی بر اساس دیدگاه جبرگرایان ظاهراً چندان متأثر نشده اما ذکر این نکته هم لازم است که این متغیرها به اندازه‌ای نرسیده‌اند که تأثیرگذاری عمده‌ای داشته باشند. پس در صورتی که میزان متغیرهای اکولوژیکی شهری به ویژه جمعیت و ناهمگونی اجتماعی در شهر سردشت به نحو محسوس‌تری از وضعیت موجود افزایش یابند ممکن است که به موازات آن، روابط اجتماعی نیز تغییر یافته و در آن صورت ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد که دارای همبستگی معنی‌داری با آن نبودند و یا آن دسته که رابطهٔ معنی‌داری داشتند، بتوانند در چنین بستری واریانس بیش‌تری را در رابطهٔ با روابط اجتماعی شهرنشینان، تبیین کنند. البته عدم تأیید دیدگاه جبرگرایی به این موضوع هم ممکن است برگردد که جمعیت سردشت آمیزه‌ای از روستاییان و شهری‌هاست و زمینهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اکثریت ساکنان شهر، روستایی است. بر اساس تحقیق عبداله‌پور(۱۳۸۷)؛ هر چه سابقهٔ زندگی افراد در روستا بیش‌تر بوده در نتیجه آن‌ها بیش‌تر به شیوهٔ زندگی روستایی خود به ویژه در حوزهٔ روابط اجتماعی پایبند بوده‌اند و حتی این موضوع در مورد افرادی که خانوادهٔ آن‌ها اصالتاً روستایی است اما در روستا زندگی نکرده در مقایسه با کسانی که اصالتاً شهری هستند صدق می‌کند.

بررسی روابط اجتماعی در سردشت از منظر رویکرد خرده‌فرهنگی هم ممکن است بخشی از واقعیت آن را تبیین کند، چون تحولاتی که اتفاق می‌افتد مثل افزایش تحصیلات آکادمیک و تأسیس دانشگاه و نیز افزایش نامتجانسی و روند روزافزون شهرنشینی؛ ممکن است بستر ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها را تقویت کند. در مجموع، بررسی تجربی روابط اجتماعی شهرنشینان نیازمند لحاظ کردن متغیرهای متعدد اکولوژیکی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد با استفاده از روش‌های گوناگون تحقیقی است و در این صورت است که می‌توانیم به شناختی همه جانبه از آن دست یابیم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ

References

- خضری، امیـر. (۱۳۸۵)، **تعیین مکـان بهینـه جهـت گـسترش کالبـد شـهر سردشت با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی بـا اسـتفاده از GIS و RS**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیـت معلم تهران.
- د واس، دی. ای. (۱۳۸۳)، ***پیمایش در تحقیقات اجتماعی*** (ترجمـه هوشـنگ نایبی)، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.
- شارع پـور، محمـود. (۱۳۸۷)، ***جامعـه‌شناسـی شـهری***، چـاپ اول، تهـران، انتشارات سمت.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۶۹)، *«انسان و شهرنشینی»*، **فصلنامه علـوم اجتماعی**، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره یک (۴)، جلد دوم، زمستان، صص: ۲۲۶-۱۹۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۷۱)، **طرح بررسی جامعه‌شناسـی روابـط همسایگی در شهر تهران**، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبداله‌پور، جمال. (۱۳۸۷)، **بررسـی جامعـه‌شـناختی وضـعیت شـهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علـوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳)، ***انسان‌شناسی شهری***، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- فهر، رسول. (۱۳۸۶)، **برنامه‌ریزی اسکان جمعیت شـهر سردشـت تـا افـق ۱۴۰۰**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، ***جامعه شناسی***، (ترجمـه منـوچهر صـبوری)، چـاپ سیزدهم، تهران، نشر نی.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
- مهندسـین مـشاور آمایـشگران توسـعه متـوازن. (۱۳۸۷)، **طـرح سـاماندهی، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر سردشت (مطالعات راهبردی)**، جلد اول، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

References منابع و مآخذ

- Caves, Roger W. (2005), **Encyclopedia of the City**, London and New York, Routledge.
- Fischer, C. S. (1975), **"Toward a Sub-cultural Theory of Urbanism",** American Journal of Sociology, 80, pp: 1319-1341.
- Flanagan, W. G. (1999), **Urban Sociology: Images and Structure**, New York, Allyn and Bacon.
- Gans, Herbert G. (1969), "Urbanism and Suburbanism as Ways of Life", in R. E. Phal (ed.), Readings in Urban Sociology, Oxford, Pergamon Press, pp: 95-117.
- Gottdiener, M. and R. Hutchison. (2006), **the New Urban Sociology**, Third Edition, Colorado, West View Press.
- Kasinitz, P. (1995), **Metropolis**, New York, New York University Press.
- Le Gate, Richard T. and Stout Frederic. (2007), **the City Reader**, Forth Edition, London and New York, Rutledge.
- Lewis, O. (1965), **"Further Observation on The Folk – Urban Continuum and Urbanization**", in P. H. Hauser and L. Schnore (eds.), The Study of Urbanization, New York, Wiley.
- Macionis, J. J. and V. N. Parrillo. (2001), Cities and Urban Life, New York, Prentice Hall.
- Park, R. E. (1969), **"The City: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in The Urban Invironment"**, in Richard Sennet (ed), Classic Essays on The Culture of Cities, New York, Meredith Corporation, pp: 91-130.
- Simmel, G. (1969), **"The Metropolitan and Mental Life",** in Richard Sennet (ed), Classic Essays on The Culture of Cities, New York, Meredith Corporation, pp: 47-60.
- Tonnies, F. (1887), **Community and Society**, Translated by P. Loomis. Michigan, Michigan University Press.
- Wirth, L. (1938), "Urbanism as a Way of Life", **The American Journal of Sociology**, July, Volume XLIV, Number 1, pp: 1-24.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]